

سرقت مقرون به آزار در نظام های کیفری ایران و انگلستان

اسما لطفی^۱

^۱ کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم شناسی، گروه حقوق، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اردبیل

چکیده

جرم سرقت ساده زمانی که با به کارگیری عمل آزاردهنده علیه دیگری یا تهدید به آن توأم می گردد، تبدیل به سرقت مشدد می شود. این سرقت مشدد که سرقت مقرون به آزار نامیده شده است، تشدید مجازات مرتکب را همراه خواهد داشت. چرایی این امر را باید در اعمال زور و خشونت جستجو کرد که ممکن است زندگی بزه دیده را در معرض خطر قرار دهد. بر این اساس، اگرچه مقابله مؤثر با این جرم کاملاً ضروری است، اما رویکرد قانون گذار ایرانی، متبلور شده در ماده ۶۵۲ قانون تعزیرات ۱۳۷۵، دارای برخی نواقص است که از جمله آنها می توان به عدم تصریح به واژه «تهدید» در کنار آزار (و اختلاف نظرهای احتمالی ناشی از آن) و نیز مانع الشمول نبودن عنصر قانونی جرم بحث اشاره کرد. تحلیل شرایط اختصاصی جرم سرقت مقرون به آزار در نظامهای کیفری ایران و انگلستان روشن کرد که رویکرد قانونگذار ایرانی در مقایسه با قانون گذار انگلیسی دارای نواقص بیشتری است، به طوریکه ضرورت برخی از اصلاحات را ایجاب می کند. از آنجاکه تشدید مجازات سارق منوط به انجام اعمال آزاردهنده در راستای ارتکاب سرقت است و با وجود اینکه لزوم این شرط را می توان طبق اصول کلی استنباط کرد، با الهام از رویکرد قانونگذار انگلیسی، لازم است این قید در عنصر قانونی جرم آورده شود.

واژه‌های کلیدی: سرقت مقرون به آزار، سارق، جرم، مجازات، آمار جنایی.

مقدمه

در راستای حمایت از بزه دیدگان این جرم از یک سو و مقابله مؤثر با مرتکبان آن از سوی دیگر، ضروری است که قانونگذار ایرانی رویکرد مناسبی را در قبال این جرم اتخاذ کند، اما با نگاهی گذرا به عنصر قانونی جرم مورد بحث، نواقصی را می توان یافت که برخی اختلاف نظرها را دامن می زند و یا احتمالاً رهایی بی پایه و اساس مرتکبین را از مسئولیت کیفری موجب خواهد شد. از این رو، بررسی رویکرد یک نظام کیفری خارجی و تطبیق آن با نظام کیفری ایران، بی شک می تواند راهکارهایی را برای رفع نواقص یاد شده به ارمغان آورد. بر این مبنا، حقوق انگلستان را که دیگر همانند سابق عمدتاً بر مبنای آراء قبلی دادگاهها در موارد مشابه و رویه قضایی استوار نیست و با روند فزاینده تدوین قوانین موضوعه روبرو شده است، برگزیده ایم.

سرقت ساده که یکی از شرایط لازم برای ارتکاب جرم مورد بحث است، در دو نظام کیفری پیش گفته، باوجود داشتن وجوه اشتراک، وجوه افتراق خاص خود را نیز داراست؛ که اشارهای هرچند اجمالی به این وجوه افتراق لازم است. در این راستا، با تعریفی از سرقت ساده در حقوق ایران و انگلستان می توان به تبیین این موضوع پرداخت. در حقوق ایران، به موجب ماده ۲۶۷ «ق.م.آ» ۱۳۹۲، سرقت عبارت است از «ربودن مال متعلق به غیر» و در حقوق انگلستان، با امعان نظر به بند ۱ ماده ۱ قانون سرقت ۱۹۶۸، «تصاحب توأم با سوء نیت مال متعلق به شخص دیگر با قصد محروم کردن دائمی وی از آن»، تعریف سرقت ساده است آنچه مهمترین تفاوت این دو تعریف به شمار م آید، همانا استفاده از اصطلاح «ربودن» و «تصاحب» در آن ها است. تصاحب که مستلزم فرض کردن حقوق مالک است، ربودن را نیز در بر می گیرد. همچنین، تصاحب در حقوق ایران با در نظر گرفتن ماده ۶۷۴ «ق.ت.» ۱۳۷۵، یکی از رفتارهای فیزیکی جرم خیانت در امانت است و لذا آنچه در حقوق انگلستان سرقت ساده تلقی می شود، ممکن است در حقوق ایران، با لحاظ سایر شرایط، عنوان خیانت در امانت قابل بررسی باشد.

۱- ماهیت سرقت مقرون به آزار

سرقت مقرون به آزار یکی از انواع سرقت های مقید به شمار می آید. سرقت های مقید به آن دسته از سرقت هایی گفته می شوند که توأم با یکی از کیفیات مشدده باشند، از قبیل مسلحانه بودن سرقت، گروهی بودن آن، واقع شدن سرقت در شب و مقرون به تهدید یا آزار بودن سرقت. در مقابل این دسته از سرقتها، سرقت های غیر مقید قرار می گیرند که معمولاً زیر عنوان سرقت های ساده یا عادی از آنها یاد می شود و همراه با کیفیات مشدده ای مانند آنچه ذکر شد، نیستند (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۸، ۲۱۵۹).

برخی تعاریف سرقت مقرون به آزار به شرح زیر قاب ل ذکر هستند: «ربودن پول و اموال شخصی یا هر چیز دارای ارزش و قیمت که تحت مالکیت غیر است و نزد اوست، با اعمال فشار و ایجاد رعب و ترس. کسی که متهم به سرقت در این مفهوم است (اخذ مال به عنف) معمولاً باعث صدمه جسمی شده یا تهدید به ایجاد صدمه جدی می نماید و یا تهدید به ارتکاب جرم از درجه اول و دوم یا درجه بالایی در تقس می بندی جرائم می نماید» (آقائی، ۱۳۸۲، ۹۷۲).

سرقت یا ربایش غیرقانونی مال دیگری به وسیله خشونت یا با تهدید به خشونت. با توجه به این تعاریف، روشن می شود که جرم سرقت مقرون به آزار در عین حال که جرمی خشونت آمیز است، جرمی مالی نیز محسوب می شود، چرا انگیزه مرتکب از ارتکاب آن همانا سرقت است. گفته شده است که اغلب سرقتهای مقرون به آزار با سلاحهای مرگبار ارتکاب می یابند و شامل دو یا چند مرتکب می شوند، عموماً افراد ذکور جوان. اگرچه اموالی که در نتیجه این جرم سرقت می شود، ممکن است ناچیز باشند، اما به کارگیری خشونت آن را به جرمی شدید تبدیل می کند، طوری که افراد زمانی که درباره جرائم در خیابان ها نگران می شوند، اولین دلوایسی آنها جرم سرقت مقرون به آزار است.

بنابراین، باید توجه داشت که جرم مورد بحث با دیگر عناوین مشابه همچون سرقت مستوجب حد (ماده ۲۶۸ «ق.م.ا» ۱۳۹۲) و ربودنی که مشمول عنوان سرقت نیست (ماده ۶۶۵ «ق.ت» ۱۳۷۵) در حقوق ایران ورود غیرمجاز به ملک غیر برای ارتکاب جرم (از جمله سرقت) در حقوق انگلستان (هرینگ، ۱۳۹۲، ۱۲۹)، تفاوت هایی را دارا است. مهمترین وجوه افتراق این عناوین مجرمانه به شرح زیر هستند:

اولاً: در هیچ از یک از عناوین مشابه، شرط تحقق جرم، آزار رسانی از سوی سارق در حین ارتکاب سرقت نیست، یا اینکه آزار رسانی در ضمن سرقت تنها یکی از کیفیات مشدده جرم موردنظر است (ماده ۶۵۱ «ق.ت» ۱۳۷۵) که همراه با سایر کیفیات مشدده لحاظ می شود. این در حالی است که در جرم سرقت مقرون به آزار، تنها کیفیت مشدد لازم، آزار رسانی به هنگام ارتکاب سرقت است و می توان آن را مهمترین شرط تحقق این جرم محسوب کرد.

ثانیاً: گذشته از اینکه در سرقت مقرون به آزار، شرایط اختصاصی سرقت مستوجب حد (مانند ربایش مال به میزان حدنصاب) لازم نیست، در بعضی از عناوین مجرمانه مشابه، اساساً صدق عنوان سرقت ضروری نیست و گاهی اوقات هم فقط قصد سرقت کردن کافی است. ربودنی که مشمول عنوان سرقت نباشد، در حقوق ایران ورود غیر مجاز به ملک غیر برای ارتکاب جرم (از جمله سرقت) در حقوق انگلستان، از این دسته جرائم تلقی می شود. با این وجود، پیش شرط جرم سرقت مقرون به آزار، ارتکاب سرقت ساده است و بدون صدق عنوان سرقت، این جرم محقق نمی شود؛ ضمن اینکه صرف قصد سرقت نیز کفایت نخواهد کرد. با این حال، نباید ناگفته گذاشت که در تبیین مفهوم دقیق هر جرمی، تحلیل نظری صرف به تنهایی کافی نیست و توجه به رویکرد مقنن در قبال آن جرم که اصولاً در قالب عنصر قانونی آن متبلوریم گردد، حائز اهمیت فراوان است. از این رو، در ادامه، ماده قانونی ای که عنصر قانونی این جرم را تشکیل می دهد، در هر دو نظام کیفری مورد بحث بررسی خواهد شد.

در واقع یکی از انواع سرقت های مشدد به لحاظ خشونت آمیز بودن عمل، «سرقت مقرون به آزار یا تهدید» است. سرقت مقرون به آزار یا تهدید، عبارت از ربودن مال منقول متعلق به دیگری، همراه با اعمال خشونت و توأم با آزار یا تهدید متصرف مال یا دیگران است. مهمترین شرط برای تحقق این قسم سرقت، آن است که سارق یا سارقین در حین و ضمن سرقت، یعنی مقارن آن، برای ربودن مال منقول متعلق به دیگری، اقدام به آزار یا تهدید صاحبخانه یا ساکنین منزل کرده باشند.

به کارگیری آزار یا تهدید و عنف، توسط سارق برای درهم شکستن مقاومت طرف مقابل (قربانی) و در نتیجه، رسیدن به خواسته های نامشروع خود، از جمله کیفیات مشددی است که قانونگذار آنها را طی قوانین متعددی، در تشدید مجازات سارق، لحاظ کرده و دخالت داده است. از جمله قوانین کیفری که در آن سرقت مقرون به آزار یا تهدید، مورد اشاره قرار گرفته و

همین امر باعث تشدید مجازات سارق یا سارقین شده است، می توان به ترتیب تاریخ تصویب، از قانون مجازات عمومی ۱۳۰۴، قانون دادرسی کیفر ارتش، مصوب ۱۳۱۸ و قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵ نام برد که در حال حاضر، قانون حاکم و لازم الاجراست (مهاجری، ۱۳۹۳، ۹۶).

۲- عناصر تشکیل دهنده جرم سرقت مقرون به آزار

در این بند عناصر قانونی، مادی و روانی جرم سرقت مقرون به آزار را ارائه می شود.

۲-۱- عنصر قانونی سرقت مقرون به آزار

نظر به اینکه از یک سو، تبیین دقیق ارکان هر جرمی به عنصر قانونی آن وابسته است و از سوی دیگر، اصل قانونی بودن که ترجمانی از همین عصر است، در ارائه مفهوم جرم نیز مدنظر قرار می گیرد، در اینجا، به عنصر قانونی سرقت مقرون به آزار در هر دو نظام کیفری مورد بحث اشاره می شود:

در نظام کیفری ایران، سرقت مقرون به آزار در ماده ۶۵۲ «ق.ت» مصوب ۱۳۷۵ مورد توجه قانونگذار قرار گرفته است؛ در این ماده چنین مقرر شده است: «هرگاه سرقت مقرون به آزار باشد و یا سارق مسلح باشد به حبس از سه ماه تا ده سال و شلاق تا ۷۴ ضربه محکوم می شود و اگر جرحی نیز واقع شده باشد، علاوه بر مجازات جرح، به حداکثر مجازات مذکور در این ماده محکوم یم گردد»؛

همانطور که از این حکم قانونگذار قابل برداشت است، این نوع سرقت در شمار سرقت های تعزیری است و از ذکر آن در کتاب پنجم قانون (تعزیرات) دانسته می شود که این ماده ناظر به سرقت غیر حدی است. همچنین لازم به ذکر است که علی رغم تصویب مجازات اسلامی ۱۳۹۲، این ماده قانونی که در قانون تعزیرات دائمی آمده است، تغییری نکرده و صرفاً در مواردی از جمله در رابطه با تأسیساتی مانند آزادی مشروط، مجازات جرم با لحاظ تبصره های ۲ و ۳ ماده ۱۹ از این قانون از نوع تعزیر درجه چهار قلمداد می شود.

در مقابل، در نظام کیفری انگلستان، علیرغم اینکه حقوقدانان انگلیسی، عنصر قانونی جرائم را به صورت مجزا بررسی نمی کنند و در بحث از اجزاء مختلف عناصر مادی و روانی هر جرمی، به بخشی از ماده قانونی مربوطه استناد می کنند؛ با این وجود، جهت تحلیل دقیق تر سرقت مقرون به آزار، ذکر ماده قانونی مربوط لازم دانسته شده است. قانون گذار انگلیسی در بند ۱ ماده ۸ قانون سرقت ۱۹۸۶ اعلام داشته است (محمدنسل، ۱۳۹۳، ۱۸):

«شخص به علت سرقت مقرون به آزار تقصیرکار است، در صورتیکه دست به سرقت بزند و بلافاصله قبل یا در حین انجام آن و در راستای انجام آن، نسبت به هرکسی عنف و خشونت را به کار برد یا هرکسی را بدون فاصله زمانی، در واهمه ناشی از مورد خشونت قرار گرفتن، قرار دهد یا در صدد انجام آن بر آید». میزان مجازات این جرم در بند ۲ ماده مذکور ذکر شده است که در بحث از مجازات جرم سرقت مقرون به آزار به آن پرداخته می شود.

۲-۲- عنصر مادی سرقت مقرون به آزار

اجرا عنصر مادی یک جرم عبارتند از: رفتار فیزیکی، شرایط لازم برای تحقیق جرم، نتیجه مجرمانه و رابطه علیت بین جزء اول و سوم. جزء چهارم در جرائم مطلق (در مقابل جرائم سفید) ضروری نیست و صرف ارتکاب عامدانه رفتار فیزیکی، با وجود سایر شرایط، موجبات تحقق جرم را فراهم می آورد. بر این اساس، از آنجا که سرقت مقرون به آزار نوعی سرقت مشدد محسوب می شود و به عنوان یکی از شرایط خاص خود، ارتکاب جرم سرقت ساده را لازم دارد، کلیه اوصاف سرقت ساده از جمله مقید بودن آن را دارا است؛ بنابراین، در ذیل شرایط اختصاصی سرقت مقرون به آزار در دو نظام کیفری ایران و انگلستان مورد تحلیل قرار می یگیرند (محمدنسل، ۱۳۹۳، ۲۳).

۲-۲-۱- ارتکاب عنصر مادی سرقت ساده

در حقوق ایران، این شرط با توجه به بخش نخست ماده ۶۵۲ «ق.ت» ۱۳۷۵ به روشنی قابل استنباط است. در حقوق انگلستان نیز با توجه به اینکه سرقت مقرون به آزار نوعی سرقت مشدد است، در مرحله نخست لازم است که مرتکب، عنصر مادی سرقت ساده را به انجام رساند و بعد از آن، با لحاظ سایر شرایط، محکومیت او به این نوع سرقت تضمین گردد. بر اساس این شرط، در صورتیکه فردی با این اعتقاد که دارای حقی قانونی برای محروم کردن بزه دیده از مال یا اموال مربوطه است، اقدام کند، به جرم سرقت ساده و به تبع آن سرقت مقرون به آزار محکوم نخواهد شد. در همین راستا، پرونده «رابینسن به سال ۱۹۷۷» قابل توجه است. در این پرونده، متهم از بزه دیده تقاضای باز پرداخت بدهی ای را می کند که بر ذمه همسر او قرار داشت. وی برای تحکیم بخشیدن به خواسته اش، چاقویی را همراه خود داشت. دادگاه در این مورد اعلام داشت که با توجه به اوضاع و احوال پرونده، سرقت مقرون به آزار محقق نشده است، چراکه متهم، به خاطر اینکه تصور می کرده، حق قانونی ای نسبت به وجه (وجه) مربوطه داشته، دارای سوء نیت (که لازمه سرقت ساده است) قلمداد نمی شود.

در واقع، باید به این مطلب توجه داشت که استفاده از واژه «سرقت کردن» در بند ۱ ماده ۸ قانون سرقت ۱۹۶۸ و «هرگاه سرقت مقرون به آزار باشد...» در ماده ۶۵۲ «ق.ت» ۱۳۷۵، بر لزوم وجود تمامی عناصر جرم سرقت ساده تأکید دارند. به تعبیر دیگر، در رابطه با سرقت مقرون به آزار، می توان قاعده ساده ای را بدین شرح ارائه داد: «بدون تحقق سرقت ساده، سرقت مقرون به آزار سالبه به انتفاع موضوع است».

با توجه به قاعده یادشده، هنگامی سرقت مقرون به آزار کامل می گردد که جرم سرقت ساده کامل شده باشد. در هر حال، از آنجاکه در حقوق انگلستان، تصاحب از لحاظ مفهومی دارای تعریف نسبتاً گسترده ای است، سرقت مقرون به آزار، حتی درجایی که مرتکب همراه با مال نمی گریزد، می تواند محقق شود. در این رابطه پرونده «کورکوران علیه آندرتن به سال ۱۹۸۰» مورد استناد قرار می گیرد. بدین شرح که متهم به عنف، کیف دستی بزه دیده را کشیده و در نتیجه این عمل، کیف به زمین می افتد. همین اندازه از عمل مرتکب، جرم تام سرقت مقرون به آزار قلمداد شد؛ صرف نظر از اینکه وی، کیف دستی را از روی زمین برداشته یا برنداشته باشد. تلقی دادگاه در این پرونده این بود که کشیدن به عنف کیف دستی برای تحقق جرم کفایت می کند، حتی اگر بزه دیده قادر به تلاش برای مقاومت در مقابل سارق و ادامه تصاحب قانونی خود بر کیف دستی یا مال متعلق به خود باشد. علت این حکم را می توان این طور تبیین کرد که علیرغم اینکه مرتکب، کیف دستی را بر روی زمین

رها کرده و گریخته، با این وجود، از آنجا که نسبت به عمل او، تصاحب به معنای خود مالکیت قائل شدن برای خود قابل اطلاق است، لذا سرقت مشدد محقق شده است.

بنا بر مطالب گفته شده، اگر مرتکب در رابطه با جرم سرقت ساده دفاع قابل قبولی را ارائه کند، محکومیت او به سرقت مقرون به آزار نیز منتفی می شود و این امر در هر دو نظام کیفری مورد بحث صدق می کند. به طور مثال، اگر متهم، اتومبیل بزه دیده را با تهدید به اعمال خشونت و با این قصد که بعداً آن را رها کند (و این کار را عملاً هم انجام دهد)، از تصرف وی درآورد، سرقت مقرون به آزار محقق نشده است، چراکه سرقت به معنای قصد محروم کردن دائمی دیگری از مال متعلق به خود، صدق نمی کند.

۲-۲-۲- آزار رسانی در حین سرقت یا مسلح بودن سارق

در رابطه با این شرط از شرایط اختصاصی سرقت مقرون به آزار در حقوق ایران باید گفت که طبق ماده ۶۵۲ «ق.ت.» ۱۳۷۵، آزار رسانی سارق باید در زمان ارتکاب سرقت صورت گیرد. لزوم این شرط از جمله «هرگاه سرقت مقرون به آزار باشد» در ماده مذکور قابل برداشت است؛ با این توضیح که تأملی در این جمله به ویژه واژه «مقرون» در آن روشن می سازد که برای تشدید مجازات سارق، ضروری است که آزار رسانی همزمان با ارتکاب سرقت انجام شود. به تعبیر دیگر، در صورتی که ارتکاب سرقت به پایان رسد، آزار رساندن از سوی سارق، موجب مشدد محسوب شدن سرقت سابق نخواهد بود. این مسئله به قدری حائز اهمیت است که در صورت عدم در نظر گرفتن شدن آن از سوی مرجع رسیدگی کننده، حکم صادره در دیوان عالی کشور نقض خواهد شد. در این راستا، در قسمتی از دادنامه شماره ۱۴۸ سال ۱۳۷۱ از شعبه ۲۰ دیوان عالی کشور مقرر شده است:

«... با توجه به اینکه سرقت شیپ ینیپ شده در ماده ۲۲۳ (قانون مجازات عمومی ۱۳۰۴) موقعی محقق می گردد که آزار و تهدید با سرقت تقارن داشته باشد و حسب محتویات پرونده برفرض که آزار و تهدید عملی شده باشد، وضعیت مرقم واقع نگردیده ... بنابراین دادنامه ... نقض و رسیدگی مجدد به دادگاه کیفری ... ارجاع می شود».

در هر حال، جمله یادشده، معنای دیگری را نیز می رساند؛ با این شرح که لازم نیست آزار حتماً نسبت به صاحب مال اعمال گردد. به دیگر سخن، همین که مرتکب در حین ارتکاب سرقت، نسبت به شخص دیگری آزار رساند، سرقت مقرون به آزار محقق می شود، اعم از اینکه شخص مورد آزار، صاحب مال باشد یا سایر افرادی که در محدوده مکانی جرم سرقت حضور دارند. با این توضیح، به نظر می رسد که بتوان در این رابطه ضابطه ای را در نظر داشت که در صورت عدم تحقق آن، سرقت مقرون به آزار هم منتفی است. ضابطه مزبور این است که «آزار رسانی باید علیه افراد حاضر در محدوده مکانی جرم سرقت واقع شود»؛ در غیر این صورت، سرقت مشدد تلقی نمی شود. ازجمله افرادی که ممکن است که در این محدوده مکانی حضورداشته باشند، اعضای خانواده صاحب مال هستند و یا افرادی که به عنوان میهمان به منزل صاحب مال دعوت شده اند.

البته این مطلب را هم باید افزود که ضروری است آزار رسانی علیه افراد یادشده، بر روی صاحب مال تأثیرگذار باشد. به عبارت دیگر، از یک طرف، ضروری است که سرقت توأم با اعمال آزاردهنده باشد و این امر نسبت به غیر از صاحبمال نیز مؤثر در مقام است و از طرف دیگر، تأثیرگذاری آن بر روی صاحبمال شرط است. با توجه به این مطلب، ضابطه دقیق تری که می

توان ارائه کرد این است که «آزار رسانی باید در محدوده مکانی و زمانی ارتکاب جرم سرقت انجام گیرد» تا بتوان گفت سرقت مقرون به آزار واقع شده است؛ بنابراین، همانطور که آزار رسانی با شروع به جرم سرقت، کفایت نکرده و لازم است که جرم تام سرقت واقع گردد، آزار رساندن به افرادی که در صحنه جرم حضور نداشته و آزار دیدن آنها تأثیری بر روی صاحبمال ندارد، موجب مشدد محسوب شدن سرقت نخواهد شد. ارتباط ظریفی که بین محدوده زمانی و مکانی ارتکاب سرقت وجود دارد، دقت نظر در هر یک از این محدوده ها را ایجاب می کند.

حال سؤال قابل طرح این است که آیا متأثر شدن صاحب مال در عمل شرط تحقق جرم است، یا اینکه اگر سرقت نوعاً موجب آزار محسوب شود، کفایت می کند؟ به تعبیر دقیق تر، ضابطه این موضوع، یک ضابطه عینی است یا یک ضابطه شخصی؟ به طور مثال، اگر عمل سارق از دیدگاه افراد متعارف جامعه آزاردهنده باشد، اما صاحبمال به خاطر روحیه بسیار قوی ای که دارد از آن متأثر نشود، سرقت مقرون به آزار تلقی نمی شود؟ در پاسخ به این سؤال، به نظر می رسد که ضابطه این موضوع، یک ضابطه عینی باشد؛ چراکه در غیر این صورت، در مواردی که عمل سارق نوعاً آزاردهنده نباشد، اما صاحب مالی به خاطر روحیه بسیار حساسی که دارد تحت تأثیر قرار گرفته و متألم گردد، باید سرقت را مقرون به آزار محسوب کرد و این رویکرد با اصل تفسیر مضیق نصوص جزائی و اصل تفسیر به نفع متهم سازگاری ندارد. بر این اساس، آنچه در سطور پیشین راجع به تأثیر آزار نسبت به صاحبمال گفته شد، تأثیرگذاری آن با توجه به قضاوت عرفی منظور بوده است؛ به دیگر سخن، لازم است که از دیدگاه افراد متعارف جامعه، عمل سارق آزاردهنده محسوب شده و به تبع آن، صاحبمال متألم گردد.

در حقوق انگلستان نیز با امعان نظر به بند ۱ ماده ۸ قانون سرقت ۱۹۶۸، در جرم سرقت مقرون به آزار، لازم است که مرتکب بلافاصله قبل یا در حین ارتکاب سرقت، علف و خشونت را به کار برده یا تهدید بدان کرده باشد. نیز همانند حقوق ایران، به کارگیری علف یا تهدید به آن، لازم نیست که علیه مالک یا متصرف مال صورت گیرد. زیرا در عنصر قانونی جرم مورد بحث عبارت «نسبت به هر کسی» به کار رفته است که معنای عامی داشته و صرفاً شامل افراد مالک یا متصرف نمی شود؛ ضمن اینکه اموال را هم در بر نمی گیرد؛ بنابراین اگرچند نفر با به کارگیری علف و خشونت نسبت به متصدی علائم در خطوط راه آهن، قطاری را متوقف کرده و از آن سرقت کنند، همه ی آنها مرتکب سرقت مقرون به آزار شده اند، هرچند که شخص مزبور مالک یا متصرف اموالی که بعداً از مسافری قطار سرقت می شود، نیست (محمدنسل، ۱۳۹۳، ۳۲).

از آنچه راجع به زمان به کارگیری علف یا تهدید به آن گفته شد، به روشنی قابل برداشت است که استفاده از هر یک از آنها در زمانی بعد از ارتکاب سرقت تحقق سرقت مشدد را در پی ندارد؛ ضمن اینکه تهدید به اعمال خشونت در آینده تأثیری نداشته و عنوان اتهامی مناسب آن اخاذی است نه سرقت مقرون به آزار؛ بر این اساس، سارقی که بعد از ربودن اموال، جهت حفظ تصرف خود از علف و خشونت استفاده می کند، به شرطی که سرقت مقرون به آزار محکوم می شود که احراز شود به کارگیری آن در زمان سرقت بوده است. این قلمرو زمانی، صرفاً محدود به زمانی که تصاحب توأم با عنصر روانی سرقت، به صورت ابتدائی محقق می شود، نمی گردد؛ زیرا عمل تصاحب ممکن است استمرار داشته باشد. در این رابطه باید دانست که زمان ارتکاب سرقت تا وقتی که بنا به قضاوت عرف بتوان گفت سرقت در جریان است، ادامه دارد؛ یعنی تا زمانی که متهم مشغول انجام کار (مجرمانه) است. این موضوع در پرونده های هیل به سال ۱۹۷۹ و لاکلی به سال ۱۹۹۵ نیز به نوعی منعکس شده است.

موضوعی که باید به آن اشاره کرد این است که در حقوق انگلستان، عنف و خشونت که در سرقت مورد بحث به عنوان یکی از شرایط آن مطرح می گردد، از لحاظ مفهومی دارای گستره ی وسیعی است. توضیح بیشتر آنکه به کارگیری عنف به مقدار ناچیز و کم یا تهدید به آن کفایت کرده و سرقت ساده را به سرقت مشدد تبدیل م کند؛ به عبارت دیگر، شدت خشونت یا تهدید به آن دارای اهمیت نبوده و در هر صورت، باعث تحقق سرقت مقرون به آزار خواهد شد (Clarkson, 2005, 241). یک مثال برای این نوع عنف، جایی است که مرتکب بزه دیده را هل می دهد؛ همین مقدار عمل، همانند به کارگیری خشونت شدید یا تهدید به آن، می تواند سرقت مقرون به آزار را محقق کند (cross, 2010, 404). با این وجود، ناگفته نماند که به دلیل عدم تبیین مفهوم عنف در قانون سرقت ۱۹۶۸، در پرونده «حکومت علیه دوسن و جیمز به سال ۱۹۸۷» چنین مقرر شد که عنف واژه انگلیسی متداولی است و احراز آن بر عهده هیئت منصفه است.

بند ۱ ماده ۸ قانون سرقت ۱۹۶۸، درصدد قرار دادن دیگری در حالت واهمه ناشی از اعمال خشونت برآمدن را نیز در برمی یگ رد. مثالی برای این مورد، تهدید کردن یک شخص فاقد قوه شنوایی ذکر شده است. البته در این رابطه، شرط نیست که بزه دیده در عمل، دچار این نوع حالت ترس شود؛ بلکه صرف اینکه مرتکب تلاش کند که چنین حالتی در بزه دیده ایجاد گردد، برای تحقق جرم کافی است.

مسئله دیگر قابل بحث، معنای واژه آزار است. آیا تمامی انواع آزار را در بر می گیرد؟ در پاسخ باید گفت که واژه آزار که به معنای رفتار یا امر ناخوشایندی است که موجب رنج، ناراحتی، مزاحمت یا آسیب کسی می شود. در ماده ۶۵۲ «ق.ت» ۱۳۷۵، به صورت عام به کار رفته و لذا انواع مختلف آزار جسمی یا روحی را شامل می شود. این امر در حقوق انگلستان نیز صدق می کند، چرا که قانون گذار انگلیسی در بند ۱ ماده ۸ از قانون سرقت ۱۹۶۸، در کنار ذکر کردن به کارگیری عنف و خشونت، به تهدید بدان نیز اشاره کرده است. در جهت تبیین هر چه بیشتر آزارهای جسمی و روحی می توان به ذکر مثالی برای هر کدام مبادرت کرد. نوعی از آزار جسمی، هنگامی محقق می شود که مرتکب دهان بزه دیده را می بندد تا از فریاد کشیدن احتمالی او جلوگیری کند. در مقابل، زمانی که سارق، بزه دیده را تهدید می کند، صرف نظر از خطر موضوع تهدید که حسب مورد می تواند جان، مال، عرض یا ناموس بزه دیده (در حقوق ایران) یا اعمال خشونت نسبت به هر کسی (در حقوق انگلستان) را شامل شود، آزار روحی مصداق یم یابد. البته، باید متذکر این مطلب شد که آزارهای جسمانی، اغلب موجب تأثیر منفی بر روح و روان فرد نیز می شود، اما این امر منجر به آن نمی شود که آنها را در شمار آزارهای روحی و روانی محسوب کرد؛ زیرا آنچه مستقیماً و به صورت اولیه مورد آزار قرار می گیرد، جسم بزه یده است و تأثیرگذاری بر روی وضعیت روحی و روانی او به صورت تبعی مطرح است (keenan, 2007, 106).

یکی دیگر از مواردی که در حقوق ایران، مورد بحث قرار گرفته است، به عبارت «یا سارق مسلح باشد» در ماده ۶۵۲ «ق.ت» ۱۳۷۵ برمی گردد. در این رابطه، با در نظر گرفتن آنچه شیپ تر درباره ضابطه سرقت مقرون به آزار گفته شد، می توان نتیجه گرفت که داشتن سلاح از سوی سارق (یکی از آنها در صورت متعدد بودن سارقین) موجب تشدید مجازات است. به تعبیر بهتر، هنگامیکه ضابطه این نوع سرقت را یک ضابطه عینی در نظر بگیریم، با امان نظر به قضاوت افراد متعارف جامعه، صرف همراه داشتن آشکار سلاح از سوی مرتکب، نوعی آزار را برای بزه دیده موجب می شود و در واقع، عبارت یاد شده از باب تخصیص به ذکر، به جهت اهمیت داشتن حمل سلاح در زمان سرقت نزد قانونگذار بوده است.

بر این اساس، این نظر که ماده ۶۵۲ «ق.ت» ۱۳۷۵ دو نوع سرقت را مطرح کرده است؛ یکی سرقت مقرون به آزار و دیگری سرقت توسط سارق مسلح، می تواند قابل انتقاد باشد. علت این رویکرد انتقادی آن است که موضع قانون گذار دلالت بر آن دارد که صرف مسلح بودن سارق، نوعی تهدید بزه دیده تلقی شده و می تواند مصداق آزار تلقی گردد. درواقع، می توان گفت که همراه داشتن سلاح از سوی سارق مصداق بارز آزار تلقی می شود و قانونگذار به علت اهمیت موضوع، این مصداق را مورد تأکید قرار داده است. از این رو، برخی نویسندگان قائل به آن شده اند که در مورد جرم مورد بحث، سلاح قلابی هم می تواند وسیله آزار جسمی یا روحی قرار گیرد (میر محمد صادقی، ۱۳۹۲، ۲۹۸). با توجه به این توضیحات، زمانی که مرتکب دارای سلاح باشد، اعم از واقعی یا غیر واقعی، با توجه به اینکه این امر نوعاً موجب آزار و وحشت قلمداد می شود، سرقت مقرون به آزار تلقی می شود. نکته ای که در این خصوص باید به آن توجه داشت این است که اگر بزه دیده نسبت به غیرواقعی بودن سلاح آگاهی داشته باشد، با توجه به ضابطه پیش گفته، عمل مرتکب آزاردهنده تلقی نشده و لذا سرقت مشدد هم محقق نمی شود.

در مورد اینکه آیا مسلح بودن سارق در حقوق انگلستان نیز می تواند سرقت مقرون به آزار را محقق سازد یا نه، باید گفت که بی تردید در بسیاری از موارد، توسل به عنف و یا خشونت به ویژه تهدید به آن، از طریق استفاده از سلاح صورت می گیرد؛ بنابراین، می توان پذیرفت که این امر در حقوق انگلستان نیز ممکن است با لحاظ دیگر شرایط، موجبات سرقت مقرون به آزار را فراهم کند. ضمن اینکه، به کارگیری سلاح، به طور قطع بزه دیده را در حالت واهمه ناشی از مورد خشونت قرار گرفتن، قرار می دهد و این حالت به تصریح بند ۱ ماده ۸ قانون سرقت ۱۹۶۸، برای تحقق جرم مورد بحث کفایت می کند (Ashworth, 2009, 69).

در نهایت، یادآوری این مطلب هم خالی از فایده نیست که کلیه احکام راجع به خصوصیت عمل مرتکب واحد، در مورد مرتکبین متعدد صادق است. به تعبیر دیگر، در این رابطه تعدد مرتکبین حائز اهمیت نیست و با توجه به اینکه سرقت واحد محسوب می شود، حتی اگر عمل یکی از آنها آزاردهنده باشد، تمامی مرتکبین به مجازات سرقت مشدد محکوم خواهند شد.

۲-۳- عنصر روانی سرقت مقرون به آزار

اجزاء عنصر روانی جرائم عبارتند از: سوء نیت عام به معنای عمد در ارتکاب رفتار فیزیکی جرم سوء نیت خاص یعنی نتیجه. جزء اخیر در همه جرائم ضروری نیست و در برخی جرائم، به صرف اینکه مرتکب دارای سوء نیت عام باشد، جرم محقق می شود. بر این اساس، در ذیل عنصر روانی سرقت مقرون به آزار در دو نظام کیفری ایران و انگلستان تحلیل می گردد:

در ایران، در جرم سرقت مقرون به آزار علاوه بر عنصر روانی جرم سرقت ساده (که در شمار جرائم دارای سوء نیت خاص محسوب می شود)، لازم است که مرتکب در انجام عمل آزاردهنده عامد باشد و آن را از روی اراده انجام دهد. به دیگر سخن، آزار رسانی در حالاتی که اراده از شخص سلب شده باشد، با وجود سایر شرایط سرقت مشدد را منتفی ساخته و مرتکب صرفاً به اتهام سرقت ساده تحت تعقیب قرار خواهد گرفت. همچنین باید متذکر این مطلب شد که با توجه به اینکه وصف آزاردهندگی عمل با توجه به یک ضابطه عینی تشخیص داده می شود، در صورتیکه عمل مرتکب نوعاً آزاردهنده باشد، فرض بر آن است که وی به کیفیت عمل خود آگاهی دارد.

همچنین، به نظر می‌رسد به که کارگیری عمل‌آزاردهنده بایستی برای ارتکاب سرقت باشد؛ بدین معنا که مرتکب با انجام آن قصد داشته باشد که ربایش مال متعلق به غیر (تعریف سرقت ساده در ایران) را تسهیل کرده و به عبارتی راه را برای رسیدن به مقصود خود هموار سازد. در همین راستا در قسمتی از نظریه اداره حقوقی قوه قضاییه اعلام شده است:

«سرقت مقرون به آزار در صورتی تحقق پیدا می‌کند که آزار به قصد ارتکاب سرقت یا تسهیل وقوع آن و مقارن سرقت واقع شود...»؛

هرچند که این نظریه مربوط به زمانی است که قانون مجازات عمومی ۱۳۰۴ در کشور حاکم بود، با این وجود، از آنجا که مفاد عنصر قانونی جرم مورد بحث در قانون اخیر، با قانون تعزیرات ۱۳۷۵ مشابه است، رهنمون اداره حقوقی قابل استفاده به نظر می‌رسد. البته باید اذعان داشت که نظر مخالف را نیز نمی‌توان با قاطعیت مردود اعلام کرد؛ زیرا در ماده ۶۵۲ «ق.ت» ۱۳۷۵، به قید «به قصد ارتکاب سرقت» اشاره ای نشده است. توضیح بیشتر آنکه با توجه به عینی بودن ضابطه سرقت مورد بحث و با نظر به عبارت «مقرون به آزار» در ماده اخیرالذکر، ممکن است استدلال شود که همین اندازه که عمل‌آزاردهنده مرتکب توأم با ارتکاب سرقت باشد، در راستای وقوع آن تلقی می‌شود و در این رابطه، قصد مرتکب حائز اهمیت نیست (بهری، ۱۳۸۰، ۱۰۵).

در انگلستان هم برای محکومیت کسی به اتهام سرقت مقرون به آزار، افزون بر عنصر روانی جرم سرقت ساده، لازم است که به کارگیری عنف یا تهدید به آن از سوی متهم، به نحو عمدی صورت گرفته و مرتکب به این امر واقف باشد. علاوه بر این، با توجه به تصریح بند ۱ ماده ۸ قانون سرقت ۱۹۶۸، ضروری است که اعمال عنف یا تهدید به آن برای ارتکاب سرقت انجام شده باشد، به نحوی که بتوان رابطه علیت را میان جرم سرقت ساده و یکی از آنها احراز کرد (cross, 2010, 164). با این وصف، فردی که در حین ارتکاب سرقت، به طور اتفاقی از عنف و خشونت استفاده می‌کند، به سرقت مقرون به آزار محکوم نخواهد شد.

۳- تحلیل ماهیتی جرم سرقت مقرون به آزار

بر اساس ماده ۶۶۵ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) مصوب ۱۳۷۵ «هر کس مال دیگری را بر باید و عمل او مشمول عنوان سرقت نباشد به حبس از شش ماه تا یک سال محکوم خواهد شد و اگر در نتیجه این کار صدمه‌ای به مجنی علیه وارد شده باشد به مجازات آن نیز محکوم خواهد شد». با توجه به اینکه مفاد ماده مذکور در قوانین راجع به سرقت از مواد تأسیسی است و در کنار سرقت مستوجب حد و سرقت‌های تعزیری می‌شود و سرقت ساده، قانونگذار این بحث را مطرح کرده که ممکن است کسی مال دیگری را بر باید و عمل او مشمول عنوان سرقت نباشد، و با عنایت به مباحثی که در بخش قبل آوردیم که مصادیق متعددی از ربودن مال غیر در کلمات قهای عظام مطرح شده است که عنوان «سرقت» ندارد، به نظر می‌رسد علت وضع ماده ۶۶۵ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) تأمین نظر و دیدگاه فقها در بحث سرقت، در قالب این ماده قانونی بوده‌است. اما به نظر نگارندگان، با توجه به این که قوانین راجع به سرقت در حقوق ایران بعد از انقلاب اسلامی ترکیبی از حقوق اسلامی و حقوق عرفی است، تصویب این ماده هیچ‌گونه ثمره عملی ندارد و مشخص نیست مقصود قانونگذار از تصویب این ماده چه بوده‌است.

۱-۳- فقدان انسجام مواد قانونی

یکی از چالشهای دیگری که از رهگذر ابهامات موجود در ماده ی ۶۵۲ قانون مجازات اسلامی با آن مواجه هستیم، «هماهنگ نبودن دو جزء اول» ماده ی مذکور از قانون مرقوم است، که از آن تحت عنوان فقدان انسجام مواد قانونی، یاد کرده ایم.

مطابق این ماده، در صورتی که سارق مسلح باشد، فقط همان سارق مسلح، مشمول تشدید کیفر است و این موقعیت تأثیری در معاون در سرقت مزبور ندارد؛ زیرا ماده ی مورد بحث، کیفیت مشدده ی شخصی را با عنوان «سارق مسلح باشد»، مورد نظر قرار داده است و نه «سرقت مسلحانه» را که موجب تشدید کیفر کلیه ی مداخله کنندگان، اعم از شرکاء و معاونین در سرقت مسلحانه شده و کیفیت مشدده ی نوعی و موضوعی را تشکیل می دهد. مع هذا مفاد ماده ی ۶۵۲ ق.م.ا. در جزء اول خود، «سرقت مقرون به آزار» را مورد توجه قرار داده است؛ به طوری که ایراد صدمه توسط یکی از سارقین را موجب تشدید مجازات کلیه ی مداخله کنندگان در سرقت دانسته است. شایسته است دو جزء اول ماده ی مذکور، از هماهنگی بیشتری برخوردار شده و بدین شرح اصلاح شود: «هرگاه سرقت مقرون به آزار بوده و یا سرقت مسلحانه ارتکاب شده باشد، مرتکب به ... محکوم می شود.» (رضایی نژاد، ۱۳۸۶، ۳۸).

۲-۳- فراگیر نبودن شمول ماده ی ۶۶۶ قانون مجازات اسلامی

قانونگذار، در ماده ی ۶۶۶ قانون مجازات اسلامی، جهت تشدید مجازات بزه سرقت را بیان کرده است: «در صورت تکرار جرم سرقت، مجازات سارق حسب مورد، حداکثر مجازات مقرر در قانون خواهد بود.» مطابق تبصره ی این ماده، «در تکرار جرم سرقت، در صورتی که سارق، سه فقره محکومیت قطعی به اتهام سرقت داشته باشد، دادگاه نمی تواند از جهات مخففه در تعیین مجازات استفاده کند».

همان طور که در متن ماده ملاحظه می شود، قانونگذار فقط برای تکرار کنندگان جرم سرقت، نوعی تشدید مجازات پیش بینی کرده، در حالی که نامی از ربودن اموال- مانند کیف قاچی- نبرده است؛ این درحالی است که بسیاری از ربودن ها (همچون مصادیق ذکر شده در ماده ی ۶۵۷ قانون مجازات اسلامی) به لحاظ نحوه و شیوه ی ارتکاب، رؤیت پذیری، اخلال در نظم عمومی و ایجاد هراس در مجنی علیه و مردم، سرزنش پذیرتر هستند؛ لذا در تطبیق بزه ربودن ماده ی ۶۵۷ قانون مجازات اسلامی با ماده ی ۶۶۶ همان قانون، به لحاظ عدم تصریح قانون گذار به بزه ربودن در ماده ی ۶۶۶، با مشکل مواجهیم. بنابراین شایسته است قانونگذار برای پر رنگ نمودن پیشگیری کیفری، در این خصوص تجدید نظر نموده، و دایره ی شمول ماده ی ۶۶۶ قانون مجازات اسلامی را به بزه ربودن، از جمله کیف قاچی هم تسری دهد.

۳-۳- عدم تفکیک بین ربودن های مندرج در ماده ی ۶۵۷ و ۶۶۵ قانون مجازات اسلامی

قانونگذار در هر دو ماده ی ۶۵۷ و ۶۶۵ قانون مجازات اسلامی، از واژه ی ربودن، سخن به میان آورده، بدون اینکه ذکر دقیقی از تفاوت بین این دو به عمل آورد. این نحوه ی عبارت پردازی قانون گذار، باعث اتخاذ رویه های متفاوت در محاکم، در خصوص تطبیق عنوان مجرمانه با فعل مادی صورت گرفته، شده است و نتیجه ی آن اختلاف فاحش تعیین مجازات از سوی محاکم، در موارد مشابه است؛ زیرا قانونگذار، ظابطه ی دقیقی در خصوص تفکیک بین ربودنهای این دو ماده، معین نکرده و همین امر، باعث شده دادگاهها در تطبیق عنوان مجرمانه، تا حدودی سلیقه ای عمل کنند. بنابراین شایسته است، با توجه به

اینکه بعضی از ربودن ها، همچون کیف قاپی که با چاشنی خشونت نیز همراه هستند و تأثیر زیادی در ایجاد نا امنی در بین شهروندان دارند، از ربودن های ساده ی ماده ی ۶۶۵ تفکیک شود و بدین ترتیب از تفسیر سلیقه ای مواد مذکور، جلوگیری شود.

۴- سرقت در نظامهای حقوقی ایران و انگلستان

ذیلاً چند عنصر و خصیصه مهم جرم سرقت را بطور مجزا مورد بررسی قرار داده و دیدگاه دو نظام حقوقی ایران و انگلستان را در مورد آنها توضیح می دهیم. برای این کار از تعریف سرقت مذکور در ماده ۲۶۷ قانون مجازات اسلامی بهره می جوئیم. به موجب این ماده: «سرقت عبارت از ربودن مال متعلق به غیر است». حال بینیم که هر یک از سه خصیصه مندرج در این ماده موجب بروز چه تفاوت هایی در برخورد دو نظام حقوقی ایران و انگلستان با جرم سرقت می گردند.

۴-۱- ربودن

عنصر مادی جرم سرقت در حقوق اسلام و ایران، ربایش است. این عمل یا به وسیله انسان بطور مستقیم یا به وسیله ابزار و آلات و حیوانات تحت تعلیم وی صورت می گیرد. برای مثال سارق ممکن است به جای این که خود مستقیماً مال دیگری را بر باید با پراندن کبوتر خود کبوتران متعلق به دیگری را تصاحب کند، یا سک دست آموز خود را به گونه ای تعلیم دهد که با به دندان گرفتن اموال دیگری آنها را ربوده و در اختیار وی گذارد. ولی در هر حال آنچه که تحقق آن در تمامی این موارد ضروری است، نقل مکان دادن مال است. به عبارت دیگر ربایش مال جز با نقل مکان دادن آن قابل تصور نمی باشد و کسی نمی تواند مالی را بر باید، در حالی که آن مال هیچ نقل و انتقال مکانی نداشته باشد.

نتیجه ضروری که از لزوم ربودن مال برای تحقق جرم سرقت در حقوق ایران حاصل می شود آن است که اموال غیر منقول از نظر حقوق، قابل سرقت نمی باشند. پس کسی را نمی توان به سرقت زمین یا خانه یا اموال بکار رفته در بنا (تا زمانی که از آن جدا نشده اند) محکوم کرد. از سوی دیگر در حقوق انگلستان، عنصر مادی جرم سرقت تصاحب یا از آن خود کردن می باشد. منظور از تصاحب، برخورد مالکانه کردن با مال یعنی انجام برخورداری است که معمولاً مالک حق انجام آن را دارد. بنابراین مطابق این نظر، هر کسی می تواند در صورت تصاحب ساختمان یا سایر اموال غیر منقول نیز با وجود سایر شرایط راجع به جرم سرقت، محکوم به ارتکاب آن گردد.

پذیرش عنصر «تصاحب» به عنوان رکن اصلی جرم سرقت در حقوق انگلستان موجب می شود که تفکیک دقیق بین این جرم و جرائمی چون کلاهبرداری، تخریب و حتی مداخله در اموال مسروقه دشوار باشد. چرا که در هر یک از این موارد نیز معمولاً مرتکب مال غیر را با قاتل شدن حقوق مالکانه برای خود تصاحب می کند. برای حل این مشکل، دادگاههای انگلیسی در موارد متعددی سعی در ارائه ضوابطی برای تفکیک بین این جرائم مالی مختلف کرده اند. و البته مبنای تصمیمات آنها بعضاً مورد انتقاد حقوقدانان نیز قرار گرفته است. ذکر این نکته ضروری است که آنچه در «ربایش» ابتدائاً متبادر به ذهن می گردد، عدم رضایت صاحب مال است در اعطای آن ولی چنین چیزی در «تصاحب» مال غیر لزوماً وجود ندارد. بنابراین کسی که مال به اشتباه داده شده توسط دیگری را می گیرد و تصاحب می کند، ممکن است از نظر حقوق انگلستان سارق محسوب شود. همینطور است حکم بایعی که پس از فروش مبیع به مشتری و اخذ ثمن، از تحویل مبیع به مشتری و اخذ

تصاحب آن، سرباز می‌زند یا راننده تاکسی که با رضایت مسافر تصمیم به برداشتن کرایه سفر از کیف او می‌گیرد ولی مبلغی بیش از کرایه واقعی برمی‌دارد. یا امینی که مال خود امانت را تصاحب می‌کند. این مورد اخیر در حقوق، می‌تواند خیانت در امانت تلقی گردد. لیکن از نظر حقوق انگلیس همه این موارد تحت عنوان سرقت تعقیب می‌شوند.

بنابراین به طور خلاصه می‌توان گفت که پذیرش عنصر تصاحب به عنوان رکن مادی سرقت در حقوق انگلستان موجب گسترده شدن مفهوم و معنی این جرم در این نظام حقوقی نسبت به حقوق ایران که عنصر مادی سرقت را ربایش می‌داند، شده است (بختیاری، ۱۳۹۲، ۷۲).

۲-۴- مال

تعریف مال هم از نظر حقوق مدنی (برای تشخیص مسائلی چون مالکیت داشتن مورد معامله، موضوع ماده ۲۱۵ قانون مدنی، و نظایر آن) و هم از لحاظ حقوق جزا (مثلاً برای تشخیص آنچه که می‌تاند مورد سرقت قرار گیرد) از اهمیت برخوردار می‌باشد. هدف ما در اینجا بحث مفصل از مفهوم و معنی مال و نقد تعریف دوری برخی از فقیهان در تعریف مال که گفته‌اند: «المال ما یبذل بازائه المال» نمی‌باشد؛ بلکه آنچه که به مناسبت موضوع این مبحث باشد بر آن تأکید شود این است که در حقوق اسلام و ایران، برخلاف حقوق انگلستان، تنها عین مال می‌تواند موضوع جرم سرقت قرار گیرد و نه حقوق یا منابع موجود در آن. بنابراین در حقوق ما آنچه که اصطلاحاً سرقت‌های ادبی نامیده می‌شود یا استفاده کردن از منافع مالی یا سوء استفاده از حق اختراع و یا در اختیار گرفتن طلب دیگری هیچ یک را نمی‌توان سرقت تلقی نمود. در حالی که در حقوق انگلستان تصاحب هر نوع حق یا منفعت مالکانه متعلق به یک نفر توسط شخص دیگر می‌تواند سرقت تلقی شود. بنابراین برای مثال حتی استفاده یک متجاوز از چراغ خانه دیگری یا باطری موجود در آن خانه را از نظر حقوق انگلیس می‌توان سرقت تلقی کرد. بنابراین ملاحظه می‌شود که از نظر تعریف ارائه شده برای «مال غیر» مقررات حقوق انگلستان به گونه‌ای است که باعث گسترده‌تر شدن مفهوم جرم سرقت در حقوق انگلیس نسبت به حقوق ما می‌گردد.

۳-۴- تعلق به غیر

در مبحث قبلی اشاره کردیم که منظور از مال در حقوق انگلیس هر نوع حق یا نفع مالکانه است، در حالی که در حقوق ما (از نظر مقررات راجع به سرقت) تنها به اعیان اموال اطلاق می‌گردد. همین تفاوت باعث می‌شود که در حقوق ما برخلاف حقوق انگلستان، منظور از تعلق مال به غیر در تعریف جرم سرقت، تعلق عین آن به دیگری (اعم از شخص حقیقی یا حقوقی) باشد. بنابراین در صورتی که عین مال متعلق به رباینده باشد سرقت از نظر حقوق ایران، محقق نخواهد شد، حتی اگر شخص دیگری از یک حق یا منفعت مالکانه بر آن مال برخوردار باشد. بدین ترتیب ربودن «عین مرهونه یا عین مستأجره توسط راهن یا موجر سرقت محسوب نمی‌شود، هر چند که مرتهن حق امساک داشته و مستأجر مالک منافع است. همین طور اگر خریدار، قبل از پرداخت ثمن، مبیع را از بایع ربوده و بدین ترتیب وی را از حق حبس خود بر مبیع محروم سازد عمل وی را نمی‌توان سرقت دانست، چرا که به محض انعقاد عقد بیع، مالیکت مبیع به خریدار منتقل شده و بنابراین وی در واقع مال خود را برده است. از سوی دیگر، حق حبس بایع بر مبیع نیز از نظر حقوق ایران مال قابل سرقت تلقی نمی‌گردد.

در حالی که، همان‌طور که قبلاً اشاره شد. در حقوق انگلیس، از لحاظ مقررات راجع به سرقت، مال متعلق به کسی محسوب می‌شود که از هر نوعی منفعت و حق مالکانه بر آن برخوردار باشد. بنابراین حق اختراع یا طلب یا حق حبس بایع بر مبیع و نیز منافع مال و نظایر آنها قابل دزدیده شدن می‌باشند و در نتیجه حتی اگر مالک عین مال با ربودن آن، دیگری را از حق یا منفعت مشروعی که نسبت به مال دارد محروم سازد، مرتکب جرم سرقت می‌شود. حتی در یک مورد صاحب اتومبیلی که قبل از پرداخت صورت حساب تعمیرکار، اتومبیل را شبانه با استفاده از کلید یدکی از تعمیرگاه خارج کرده بود به دلیل محروم ساختن تعمیرکار، از آنچه که حق حبس تعمیر کار نامیده می‌شود، توسط دادگاههای انگلیسی سارق شناخته شد. سرقت دانستن چنین موردی از نظر قوانین و مقررات ما غیر قابل تصور می‌باشد (جوان فر، ۱۳۹۱، ۶۱).

۵- وجوه افتراق و اشتراک دو نظام کیفری

اهم وجوه افتراق و اشتراک دو نظام کیفری ایران و انگلستان در رابطه با جرم سرقت مقرون به آزار را می‌توان به شرح جدول زیر ارائه کرد:

۵-۱- وجوه افتراق دو نظام حقوقی

۱. در نظام کیفری ایران، سرقت مقرون به آزار صرفاً در محدوده زمانی و مکانی ارتکاب سرقت ساده متصور است؛ اما در نظام کیفری انگلستان، این جرم محدوده وسیع تری را دارا است. دلیل این موضوع آن است که مهمترین رکن سرقت در حقوق ایران «ربایش» تلقی شده است؛ اما در حقوق انگلستان، همانا «تصاحب» است و عمل تصاحب قلمرو گسترده تری دارد.

۲. قانونگذار انگلیسی صراحتاً قید «برای ارتکاب سرقت» را در عنصر قانونی جرم ذکر کرده است. این در حالی است که در حقوق ایران، قید مزبور در عنصر قانونی جرم به چشم نمی‌خورد؛ هرچند که بتوان با تفسیری لزوم آن را استنباط کرد.

۳. شرایط اختصاصی سرقت مقرون به آزار در نظام کیفری ایران از تفصیل چندانی برخوردار نیست و قانون‌گذار به ذکر جمله «سرقت مقرون به آزار باشد و یا سارق مسلح باشد» اکتفا کرده است؛ اما در نظام کیفری انگلستان، شرایط یادشده قلمرو گسترده تری را شامل می‌شود؛ چراکه علاوه بر تصریح به اعمال عنف یا خشونت (اعمال آزاردهنده)، از تهدید به آن یا سعی در انجام آن سخن به میان آمده است.

۴. نوع مجازاتی که در حقوق ایران برای سرقت های مقرون به آزار در نظر گرفته شده اند، عبارتاند از: حبس و شلاق؛ نیا در حالی است که در حقوق انگلستان، صرفاً مجازات حبس لحاظ شده است. ضمن اینکه میزان مجازات حبس در این نظام کیفری به مراتب بیشتر از نظام کیفری ایران است.

۵-۲- وجوه اشتراک دو نظام حقوقی

۱. یکی از شرایط لازم برای جرم سرقت مقرون به آزار، ارتکاب جرم تام سرقت ساده است. این شرط که در هر دو نظام کیفری ضروری تلقی شده است، موجب می‌شود که اگر در این رابطه دفاع قابل قبولی ارائه گردد، تحقق سرقت مشدد امکان پذیر نباشد.

۲. با توجه به واژه عام «آزار» در حقوق ایران و «عنف و خشونت» در حقوق انگلستان، شدید بودن این موارد شرط تحقق جرم تلقی نمیشود؛ به عبارت دیگر، آزار یا خشونت اندک هم ممکن است سرقت مشدد را محقق سازد. البته ضابطه عینی در این خصوص باید در نظر گرفته شود.

۳. مصادیق مشترکی که در هر دو نظام کیفری، سرقت ساده را به سرقت مشدد تبدیل می کند، اعمال آزاردهنده یا تهدید است. همچنین این آزار رسانی در حقوق انگلستان و ایران، در محدوده زمانی و مکانی جرم سرقت ساده مدنظر قرار می گیرد.

۴. در نظامها موردبجی، مجازاتی که موردتوجه قانونگذاران قرار گرفته است، حبس است. به تعبیر دقیق تر، از منظر قانونگذار ایرانی و انگلیسی، یکی از راهکارهای مقابله با جرم سرقت مقرون به آزار خلاصه می شود در اعمال مجازات حبس نسبت به مرتکبین این جرم (قماش، ۱۳۸۸، ۸۶).

نتیجه گیری

بی شک، سرقت های مقرون به آزار یا تهدید، هم به لحاظ فراوانی و کثرت و هم به لحاظ نوع تأثیری که در جامعه می گذارند، از مهمترین دغدغه ها و اولویتهای متولیان امنیت کشور، می باشند. مع الوصف علی رغم حساسیتی که در نهادها و دستگاه های مربوطه در سالیان اخیر ایجاد شده، کماکان در کل، شاهد افزایش این گونه سرقت ها هستیم که این امر، خود، نشانه ی ناکارآمدی ساز و کارهای فعلی در ابعاد تقنینی، قضایی و پلیسی- اجرایی می باشد. ارائه ی آمار در مقاطعی از زمان، مبنی بر کاهش این گونه سرقت ها از سوی دستگاههای زیربط، دلالت بر آن ندارد که وقوع سرقت های مقرون به آزار یا تهدید، با کاهش مواجه است؛ بلکه بر عکس، با تجزیه و تحلیل آمارهای جنایی در دراز مدت و بازه زمانی چندین ساله، به خوبی می توان به نتیجه ای غیر از این، رسید. این نتیجه گیری، حکایت از یک امر مهم در بحث پیشگیری در کشور ما دارد و آن اینکه در این زمینه با چالشهای جدی مواجه هستیم. در واقع زمانی فرآیند پیشگیری، به سرمنزل مقصود خواهد رسید، که چالشهای فراروی آن، مرتفع شده یا حداقل، کمتر شوند.

نحوه ی برخورد دستگاه قضایی، به ویژه در دادسرا و دادگاهها، از بدو تحقیقات و صدور دستورات قضایی، تا انشاء رأی و اجرای احکام، از چالشهای دیگر فراروی پیشگیری از سرقتها مقرون به آزار یا تهدیدند. این چالشها که در نحوه ی صدور دستورات، انشاء رأی و تعیین مجازات، نمود بیشتری پیدا نموده اند، با عزم و تلاش جدی دستگاه قضایی، مرتفع خواهند شد. لذا، تربیت نیروی انسانی متخصص و تعیین قضات زبده و آگاه به مسائل جرمشناسی، در این حوزه در اولویت کار قرار گرفته، حتی در زمان تصدی امر قضا، آموزش ضمن خدمت، مغفول نماند؛ موضوعی که جای خالی آن احساس می شود. نظارت بر رفتار و کردار قضایی، از جمله دستورات و آراء قضات، جهت حفظ یکپارچگی و انسجام برخورد، از طریق نهادهای نظارتی درون دستگاه قضایی، از جمله دادسرای انتظامی قضات، بازرسی کل کشور و حتی المقدور، رؤسای کل دادگستری ها، به کم کردن چالشهای پیشگیری در این زمینه، کمک زیادی خواهد نمود.

منابع

- (۱) آقائی، ب. ۱۳۸۲، "فرهنگ حقوقی بهمن"، تهران: انتشارات کتابخانه گنج دانش.
- (۲) بختیاری، م. ۱۳۹۲، "دادرسی جابگزین در مجازات زندان"، مجله آموزه های حقوق کیفری، تهران، شماره ۱۷.
- (۳) باهری، م. ۱۳۸۰، "نگرشی بر حقوق جزای عمومی"، تهران، انتشارات مجد.
- (۴) جوان فر، ع. ۱۳۹۱، "حبس زدایی ضرورتی ناگزیر"، ماهنامه اصلاح و تربیت، تهران، شماره ۲۷.
- (۵) جعفری لنگرودی، م. ۱۳۸۸، "ترمنیولوژی حقوق"، تهران، انتشارات گنج دانش.
- (۶) رضایی نژاد، الف. ۱۳۸۶، "جرم و مجازات"، قم، نشر قضا.
- (۷) قماش، س. ۱۳۸۸، "مطالعه و بررسی جرم دزدی از دیدگاه فقه، حقوق و قانون مجازات اسلامی"، فصل نامه فقه اهل بیت فارسی، شماره ۱۵.
- (۸) مهاجری، م. ۱۳۹۳، "قانون مجازات اسلامی"، معاونت آموزش قوه قضاییه، تهران، انتشارات راه نوین.
- (۹) محمد نسل، غ. ۱۳۹۳، "کلیات پیشگیری از جرم"، تهران، نشر میزان.
- (۱۰) هرینگ، ج. ۱۳۹۲، "مبانی حقوق کیفری انگلستان"، ترجمه امیر اعتمادی، تهران: انتشارات جنگل.
- (۱۱) Ashworth, A. ۲۰۰۹, "**Principles of Criminal Law**", Sixth Edition, London: Oxford University Press.
- (۱۲) Clarkson, C. ۲۰۰۵, "**Understanding Criminal Law**", Fourth Edition, London: Sweet & Maxwell.
- (۱۳) Cross, N. ۲۰۱۰, "**Criminal Law & Criminal Justice; An Introduction**", First Published, London: SAGE Publication Inc.
- (۱۴) Keenan, D. ۲۰۰۷, "**Smith & Keenan's English Law; Text and Cases**", Fifteenth Edition, London: Pearson Education Limited.